

آتش به اختیار زباله بریزید هر جا خواستید

زنگوله

وقتی یک روزنامه به نمایندگان مجلس لقب «طبل پر سر و صدا» می‌دهد منظورش چیست؟

الف) مردم به یک طبل رأی داده‌اند.

ب) نماینده باید بی سر و صدا باشد، می‌خواهیم بخوابیم.

ج) طبل به درد مجلس نمی‌خورد، لاقال تنبک بیاورند یک موسیقی مجلسی بنوازند.

د) مشکل از ناهماهنگی بقیه نماینده‌هاست، حالا که یک عده طبل هستندبعضی دیگر باید دهل باشند.

○○○

دهه اول محرم تمام شد و با جمع شدن بساط نذری‌ها دغدغه‌های زیست محیطی و دلسوزی نسبت به پاکبان‌ها هم رفت کنار تا محرم سال دیگه! آتش به اختیار زباله بریزید هر جا خواستید، کسی صدایش در نمی‌آید!

○○○

مرد ۹۲ ساله نیجریه‌ای، که با ۹۷ زن ازدواج کرده، شایعه‌ی فوتش را تکذیب کرد و گفت: برنامهام این است که با هم ازدواج کنم!

این به شعر، بر دل عاشق این پیر طریقت نکاح:

بر شایعات مردن خود خنده‌ها زدم

گشتم شبیه فرقه، سوی تو آمدم

بیش از نود زن است مرا در سرا، ولی

احساس می‌کنم که کماکان مجردم

○○○

حالا که سه وزیر پیاده شدند امیدوارم سه پیاده وزیر نشوند!!!!

آبیاری بزرگ نمیر!

- کلیتتون هم نشدیم کادوی یک میلیون دلاری بهمون بدن! مقام قظری یک میلیون دلار به عنوان کادوی تولد به بیل کلیتتون داد.

قظری یک میلیون دلار کادوی تولد به کلیتتون داده، اون وقت ماگیر دادیم به هدایای ظریف و عراقی و فریدون به امریکایی‌ها! بالاخره ما آگه می‌خواهیم در جامعه جهانی باشیم باید در دیپلماسی مون به «چشم و هم چشمی بین‌المللی» احترام بگذاریم دیگه.

کاپ اخلاق مذاکرات را باید بدهند به عراقچی و فریدون، چون ونڈی شرمن به ما توهین کرد ولی جوابش را با هدیه دادند!

ونڈی شرمن (پارسال): فریبکاری در DNA ایرانیان است. ونڈی شرمن (امسال): البته فرش‌های خوبی هم دارند!!

نامه به رئیس قوه قضائیه درباره نرگس محمدی را چند تا نماینده امضا کردند؟ ۱۳۰ تا؟ ۸۰ تا؟ ۳۰ تا؟ ۱۳ نماینده، تکرار می‌کنم ۱۳...!

در ۶ ماه نخست سال جاری ۲۵ میلیون دلار لوازم آرایشی و بهداشتی وارد کشور شد.

بزرگ نمیر بهار میاد
لوازم آرایش با خیار می‌آید!

منم حل کنید

مصالح

صادق زکلیا کلام خطاب به جنتی، وزیر ارشاد: «چرا عقب‌نشینی کردید؟»

جنتی: والا ما عقب‌نشینی نکردیم، سر جامون نشسته بودیم که یکی صندلی را کشید، اینجور به نظر آمد که عقب‌نشینی بوده!

○○○

به نظرم جنتی موقع استعفا از وزارت ارشاد با خودش گفته: دیگه بسه، باید برم به کاری هم بکنم! حوصله‌م سر رفت از بیکاری!

○○○

یک نفر داشت خمیازه می‌کشید، دوستش گفت: «حالا که دهنت بازه غضنفر را هم صدا کن! قربان دهنت.» حالا حکایت بعضی‌هاست که وسط خمیازه خواسته‌اند حرفی هم زده باشند؛ ایلیاس حضرتی: وزارت ارشاد را منحل کنید!

○ یک نفر از همه جا بی‌خبر با شنیدن این سخن از حضرتی گفت: مگه وزارت ارشاد هنوز هست!؟

○ آقا اگر خواستید منحل کنید ما هم یک لیست انحلال داریم، لطفاً سر راه زحمت این چندتا را هم بکشید!

ترامپ: در انتخابات آمریکا

تقلب خواهد شد

- البته آگه قرار باشد مردم هر شهری به دامادشان رأی بدهند که جای نگرانی نیست، ایشان ماشالا هزار ماشالا رأی چندین ایالت را دارند!

دردسره‌های واردات ۶ هزار بز اسپانیایی

بز بیاری

بز زنگوله‌پا گفت: آنجا که رفتیم می‌توانید در را روی هر کس که خواستید باز کنید، اصلاً نترسید

○○○

از وقتی مسئولان اقدام به واردات بز از خارج کردند ما نظرم‌ان درباره بز آوردن کاملاً عوض شده است

آغل

یک روز صبح بز زنگوله‌پا با یک چمدان بزرگ به خانه آمد. رو کرد به بچه‌پایش و گفت: بچه‌ها! وسایل‌تان را جمع و جور کنید می‌خواهیم از اینجا برویم.

بزغاله‌ها تعجب کردند.

شنگول گفت: کجا؟

بز زنگوله‌پا جواب داد: یک جایی به اسم ایران.

منگول که سرش توی گوش‌ی هوشمندش بود، بلافاصله گفت: سرچ کردم، جای خوش آب و هوایی است، اما سرعت اینترنتش کم است.

شنگول گفت: حالا چرا می‌خواهیم برویم؟

بز زنگوله‌پا چمدان را باز کرد و گفت: یک پیشنهاد کاری خوب بهم شده، یک مدت می‌رویم آنجا بار خودمان را می‌بندیم بعد برمی‌گردیم.

حبه انگور گفت: میشه دوستانم هم بیان؟

بز زنگوله‌پا لبخندی زد و گفت: آنجا دوستان جدید پیدا می‌کنی عزیزم.

شنگول با اوقات تلخی گفت: همینجوری که نمی‌شود، مدرسه‌هایمان چه می‌شود؟ از شروع مدرسه‌ها هنوز یک ماه نگذشته.

بز زنگوله‌پا همانطور که وسایل را یکی‌یکی در چمدان می‌چید گفت: نگران نباشید، همه همکلاسی‌هایتان هم با ما می‌آیند، همانجا مدرسه می‌روید.

در حقیقت کل گله با هم هستند. منگول با خوشحالی گفت: ای ول! آنجا کپی‌رایت ندارند، هر چی بخواهی می‌توانی دانلود کنی! فقط وی‌پی‌ان می‌خواد همین! مامان کی راه می‌افتیم!؟

حبه انگور با ترس و لرز گفت: آنجا هم باید مواظب آقاگرگ باشیم؟

بز زنگوله‌پا گفت: یادمان انداختی، آقاگرگ هم با ما می‌آید. البته دیگه لازم نیست ازش بترسید، اتفاقاً باید ازش تشکر کنید و باهاش دوست بشوید.

چون مدیر پروژه آقاگرگ است! خودش این کار را برای من جور کرد.

همین لحظه زنگ در به صدا درآمد. آقاگرگ از پشت در گفت: حاضر شدید؟

پیام کشورها به «آنتونیو گوتش» برای

دبیر کلی سازمان ملل

پیام اغلب کشورها: از اینکه در این بحران جهانی بیکاری، اینچنین شغلی به چنگ‌تان آمده، تبریک می‌گوییم. پیام عربستان: شماره حساب‌تو بده.

حالا بدک نیست‌گاهی هم محض تنوع علوفه‌های وطنی بهشان بدهیم که مثل توریست‌ها صفا کنند. اما بالاخره این‌ها معدنشان عادت به غذاهای ما ندارد. یک پیشنهاد دارم، می‌توانیم تهیه غذای این عزیزان را به آن کترینگ طرف قرارداد با راه‌آهن بدهیم. در هر صورت این بزیاری مسئولان را ارج می‌نهمم و برای بزهای اسپانیایی اوقات خوشی را در کشور عزیزمان آرزو می‌کنیم. به امید روزی که بزهای خودمان هم پیشرفت کنند و به کشورهای دیگر ترانسفر شوند.

○ بز بزرگ نمایی

شایعاتی هم منتشر شده‌که اخبار مربوط به واردات ۶ هزار بز، بزرگ‌نمایی شده و تبلیغات مخالفان دولت است. در حقیقت بزهایی که دولت آورده این همه نبوده و در حد پنج شش مورد است که مهم‌ترین آن‌ها برداشته نشدن تحریم‌ها بوده است.

در همین راستا جاد داد بگوییم: بزرگ نمیر بهار می‌آید، اگر کمیزه و خیار و رونق اقتصادی هم نیامد، به جاش بز اسپانیایی به قدر کافی می‌آید که تنها نمایی، بله بز جان! فعلاً نمیر گلم!



○ بترکه چشم حسود

بزیاری همیشه هم بد نیست، یعنی همیشه به معنی بدبختی نیست. ما تا حالا فکر می‌کردیم وقتی می‌گویند فلانی بز آورده یعنی یک بلایی، مصیبتی، چیزی به سرش آمده است. اما از وقتی مسئولان عزیز و فرهیخته کشور (که ما مثل چشم‌هایمان قبولشان داریم) اقدام به واردات بز از خارج کردند، ما نظرم‌ان درباره بز و بز آوردن و مصیبت کاملاً عوض شده است.

حالا ممکن است کسی باز هم بگوید این بزهای وارداتی عین همان مصیبت هستند که بر سر دامدار و دام‌نار نازل می‌شود و به خاک سیاه می‌نشانند؛ اما ما نظرم‌ان غیر از این است. این بزها با آن شیردان‌های بزرگ (بترکه چشم حسود) که دارند، عین برکت و منفعت هستند. عکس‌هایشان را دیده‌اید؟ اگر ندیده‌اید بروید پیدا کنید ببینید و از داشتن چنین بزهای پرورار و ایضاً چنان مسئولان با تدبیری به خود بیایید.

○ ۶ هزار شخص بز!

آنطور که شنیده‌ایم ۶ هزار شخص بز اسپانیایی (بزهای خارجی واحد شمارششان فرق می‌کند، به جای رأس باید بگوییم شخص، چون خارجی هستند و شخصیت دارند) رهسپار ایران شده‌اند اینجاست مسئولان محترم بهترین امکانات، در هتل-آغل‌های پنج ستاره از آن‌ها پذیرایی می‌کنند. کسی هنوز درباره غذایشان چیزی نگفته ولی من حدس می‌زنم غذای این بزهای متشخص را باید از خارج وارد کنیم.

شعورمان

خاک‌وخل

برنده جایزه بی‌ربط‌ترین جمله جهان جان کری است با جمله زیر: حمایت ایران از حزب‌الله و اسد رفع مشکلات بانکی را دشوار می‌کند.

○○○

با توجه به حرف‌های جان کری، گویا داریم در عبارت تقریباً هیچ، اون بخش «تقریباً» اش را هم از دست می‌دهیم!

کری: حمایت ایران از حزب‌الله و اسد رفع مشکلات بانکی را دشوار می‌کند.

- خب... این مسئله در دستور کار برجام چند بود!؟

○○○

باز خوبه مثل ونڈی شرمن مستقیم ترفته سراغ ریشه قضیه (DNA ایرانی‌ها!) سعی می‌کنه یکی یکی مسائل را مطرح بکنه!

○○○

شیطان شده اند، در لباس لبخند تا که بکشند روحمان را در بند کوتاه بیاییم اگر این دفعه بروی شعورمان پُشن می‌ریزند

حجت رحیمی

افزایش آلمان

داس

خبر: آلمان بودجه نظامی خود را افزایش می‌دهد.

- آلمان به حرف بعضی‌ها بی‌توجهی می‌کنه!

○○○

حالا که آلمانی‌ها بودجه نظامی‌شان را افزایش دادند پس دیگه چه جوری می‌خواهند در علم پیشرفت کنند؟! لازم شد حاج‌آقا یک سفر تشریف برند آلمان معلم‌هایشان را توجیه کنند!

○○○

- فهمیدی آلمان به‌زودی به کشور ضعیف و جهان سومی میشه؟

- نه، چرا؟

- چون بودجه نظامی‌اش رو افزایش داده!

سفیر سابق ایران در مالزی

○ نقش سفیر سابق در پالم‌مالی مواد خوراکی کشور و نقش برادر وی در ماست‌مالی پالم چه می‌تواند باشد؟ هر چه هست نان یک عده که توی روغن پالم بود، نزدیک بود آجر شود که فعلاً قضیه ندید گرفته شده است. علی‌الحساب تا زمانی که مردم مالزی چیزیشان نشده و حالشان خوب است، ما هم روغن پالم می‌خوریم، نوش جان‌مان!

تأثیر سفیران سابق بر واردات

○ اگر عملکرد سفیر سابق مالزی در مورد واردات روغن پالم را درباره سفیران دیگر کشورها هم متصور شویم، یک همچنین وضعی رقم خواهد خورد:

« سفیر قبرس: واردات الاغ به جای خودرو

« سفیر ایتالیا: واردات پدرخوانده به جای پدر

« سفیر کره: واردات سریال به جای صدا و سیما

« سفیر ژاپن: واردات تخمه ژاپنی به جای پسته

« سفیر چین: واردات همه چی به جای هیچی!

« سفیر عربستان: واردات کفن به جای حاجی

« سفیر هند: واردات پشمک به جای پول نفت

« سفیر قزاق: واردات مدیر به جای وزیر

« سفیر اسپانیا: واردات بز به جای تکنولوژی (دوستان اشاره

می‌کنند این آخری واقعاً اتفاق افتاده)

و قس علی هذا.

خدا را شکر که همه سفیرها داداش ندارند! (بفرمایید، اینم

شکرگزاری)

باشگاه اختصاصی

یک نماینده مجلس در صحن علنی به اهدای کارت ورزش شهروندی به نمایندگان اعتراض کرد.

جوالدوز

گفت‌وگوی نماینده معترض با یک نماینده دیگر:

- چه وضعه؟ منظور شون از این کارها چیه؟

- کدوم کارها؟ اینکه کارت ورزش دادن؟

- آره دیگه فکر کردی می‌تونم ما رو با این کارت‌ها بخرن که به شهردار رأی بدیم!

- مگه قراره ما به شهردار رأی بدیم؟!

- نه ولی بالاخره می‌خوان ازش طرفداری کنیم دیگه!

- چه جور طرفداری‌ای مثلاً؟

- مثلاً... مثلاً... آهان! همین که قضیه املاک شهرداری رو پیگیری نکنیم.

- اون قضیه که به ما مربوط نمیشه. نماینده‌های شورای شهر و قوه قضائیه دارن پیگیری می‌کنن.

- خب، حتماً به منظوری داشتن دیگه! همینجوری که این کارت‌ها رو ندادن!

- شاید می‌خواستن تو و رفقات برید به کم ورزش کنید روحیه‌تون بهتر بشه، اینقدر حرص نخورید!!

- برو عمووو! من که به این کارت‌ها احتیاجی ندارم. خودم روزهای زوج توی

استخر شخصیم تمرین شنا می‌کنم، روزهای فرد هم توی حیاط ویلای بلاشهرم

می‌دوم. تازه برای نرمش هم میرم به باشگاه اختصاصی خودم!

- عجب!